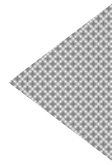


چالش‌های نظام پژوهش در اقتصاد اسلامی



دکتر علی محمد احمدی^۱

حسن محمدغفاری^۲ / رضا وفایی یگانه^۳

(تاریخ دریافت ۸۸/۱۱/۸ - تاریخ تصویب ۸۹/۱/۲۵)

چکیده

جامعه ایران، یک جامعه اسلامی است و انتظار آن است که اسلام به عنوان دینی هادی افراد و اداره کننده جامعه، در همه عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی حضور داشته باشد. پژوهش، دانش تولید می‌کند و کاربرد دانش در عمل، سبب توسعه می‌شود. از این رو ورود مباحث، ارزش‌ها و احکام اسلامی در آموزه‌های اقتصاد از طریق اهتمام به پژوهش و تحقیقات بسیار در حوزه اقتصاد با رویکرد اسلامی و به تعبیری اقتصاد اسلامی میسر است. این نوشتار درصدد است تا چالش‌های نظام پژوهش در اقتصاد ایران را با استفاده از روش توصیفی و استفاده از داده‌های پیمایشی نظرخواهی ۴۶ نفر از پژوهشگران اقتصاد اسلامی، مورد بررسی قرار دهد. یافته‌های حاصل از نظرات صاحب‌نظران در خصوص پژوهش در اقتصاد اسلامی نشان می‌دهد این افراد ضرورت توسعه کمی و کیفی پژوهش در اقتصاد اسلامی را ضروری دانسته، اما وضعیت فعلی آن را مناسب نمی‌دانند و اجرای اقدامات مناسب در حمایت و توسعه پژوهش در اقتصاد اسلامی را ضروری می‌دانند. در پایان نیز راهکارهایی در جهت بهبود فعالیت‌های علمی- پژوهشی در این

۱- استادیار دانشگاه تربیت مدرس، m.ghaffari.h@gmail.com

۲- کارشناس ارشد اقتصاد.

۳- کارشناس ارشد اقتصاد.

حوزه پیشنهاد می‌نماید.

واژگان کلیدی: اقتصاد اسلامی، پژوهش، پژوهشگر، توسعه کیفی، چالش‌ها

۱- مقدمه

جامعه ما به عنوان یک کشور در حال توسعه با مشکلات و مسائل عدیده‌ای روبروست. بسیاری از این مشکلات ریشه در مباحث اقتصادی دارند. از این رو پژوهش در علوم اقتصادی در راستای تحقق اهداف و برنامه‌های توسعه کشور، ضرورتی انکارناپذیر است. از سوی دیگر جامعه ایران، یک جامعه اسلامی است و انتظار آن است که اسلام به عنوان دینی هادی افراد و اداره‌کننده جامعه، با ترسیم نظام‌های اجتماعی و یافته‌های علوم انسانی با منطقی مستدل و مستند بر اساس بینش‌ها، ارزش‌ها و منش‌های دینی متدینان، به تأمین نیازهای مادی و معنوی انسان، هر چه بیشتر بکوشد. تحقق این امور تنها از طریق پژوهش دقیق، جامع و سامان‌مند در آموزه‌های اسلام و نظام‌های اجتماعی و به خصوص اقتصاد اسلامی امکان‌پذیر است و پژوهش در زمینه اقتصاد اسلامی از اهمیت و جایگاه والایی در این خصوص برخوردار است.

علمی بودن اقتصاد اسلامی، به لحاظ تعریف غربی علم، مورد مشاجره است. اما به گفته لاپ-صاحب‌نظر مشهور روش‌شناسی-هیچ تعریفی از علم که جهت‌یابی روشنی داشته باشد و بتواند تمام بخش‌های علوم (اعم از فیزیک، شیمی، جامعه‌شناسی و ...) را در برگیرد وجود ندارد؛ چه تعریفی که برخی از علم کرده‌اند، گروهی از علوم طبیعی یا انسانی را خارج می‌کند و تعریف دیگر، گروهی دیگر را (دادگر، ۱۳۷۸: ۱۷۲). اقتصاد اسلامی که علمیت آن قابل اثبات است حداقل در دو زمینه نظریه‌پردازی می‌کند:

۱- تحلیل الگوی ایده‌آل اقتصاد اسلامی؛

۲- شناخت وضع موجود اقتصادی جامعه.

بنابراین هر چند مباحث معتقدان به مکتب و نظام اقتصادی اسلام اختلاف بسیاری با هم ندارند، برداشت طرفداران علم اقتصاد اسلامی یک‌سان نیست؛ اما آنچه در این بررسی اجمالی می‌توان گفت، این است که اقتصاد دینی با اعتقاد به این که موضوعات اجتماعی ملهم از ارزش‌ها و باورها است، می‌کوشد تا در بررسی پدیده‌های اجتماعی از جمله رفتارهای اقتصادی بر این عوامل غیر مادی تأکید کند؛ بنابراین، از مفاهیم دینی مانند نوع دوستی، ایثار، انفاق، ... و همچنین

احکام حقوقی مانند حقوق مالکیت، حرمت اسراف، ربا و ... در تحلیل اقتصادی استفاده می‌کنند. دکتر انس زرقاً می‌گوید: «نظریه‌پردازی در اقتصاد اسلامی بر مبنای مبادی معرفت‌شناختی و روش‌شناختی آن صورت می‌گیرد» (دادگر، ۱۳۷۸: ۱۷۶). بسیاری از نوشته‌های اقتصاد اسلامی با استفاده از متدلوژی اقتصادی متعارف به‌ویژه ابزارهای آن و با تعدیلاتی که در آن‌ها صورت گرفته است، به بررسی موضوعات اقتصادی پرداخته و نیازمند کاربرد روش علمی هستند.

نظام آموزشی و پژوهشی در هر اقتصادی پژوهشگران و اقتصاددانان را تربیت کرده و در عین حال از نتیجه عملکرد آنها به منظور تقویت خود بهره می‌برد (درخشان، ۱۳۸۱: ۳) و هر چه این نظام قوی‌تر باشد، تولید علم، نظریه‌پردازی، بسط تئوریک و بومی‌سازی سریع‌تر اتفاق می‌افتد. از طرفی بدیهی است که یکی از راه‌های توسعه هر رشته‌ای از دانش، میزان و کیفیت تحقیقات و پژوهش‌هایی است که در آن حوزه انجام می‌شود. اقتصاد اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نیست. نکته حائز اهمیت این است که بین پژوهش و دانش ارتباطی قوی وجود دارد، پژوهش، دانش تولید می‌کند و کاربرد دانش در عمل، سبب توسعه می‌شود. چنین ترتیبی است که بنیاد کاربست یافته‌های پژوهشی را در برگرفته و از این قاعده ساده پیروی می‌کند که دانایی، سبب بهبود عمل می‌شود و این قاعده گویای این نکته است که جان دیویی بیان می‌کند: «دانشی مفید است که در عمل به کار آید». به این ترتیب رابطه میان پژوهش، دانش، عمل و توسعه را رابطه‌ای ارگانیک و ذاتی مطرح می‌کنند که ضرورت به کارگیری یافته‌های پژوهشی را مشخص می‌کند (متین، ۱۳۸۵).

از این رو ورود مباحث، ارزش‌ها و احکام اسلامی در آموزه‌های اقتصاد از طریق اهتمام به پژوهش و تحقیقات بسیار در حوزه اقتصاد با رویکرد اسلامی و به تعبیری اقتصاد اسلامی میسر است و تنها از این طریق می‌توان به استخراج و غنای مباحث اقتصاد اسلامی پرداخت.

در این ارتباط مطالعه نظام پژوهش در اقتصاد اسلامی در ایران و شناسایی شرایط، ویژگی‌ها و چالش‌هایی که این نظام با آن مواجه است و تلاش در جهت انجام اصلاحات و تغییرات در آن در جهت انطباق با نظام اجتماعی و حل مسائل پدیده‌های اجتماعی و اقتصادی کشور، از اهمیت بالایی برخوردار است. بنابراین مسأله اصلی در این مقاله، شناخت چالش‌های اساسی نظام پژوهش در اقتصاد اسلامی در کشور می‌باشد و بر این اساس نظرات پژوهشگران و صاحب‌نظران در حوزه اقتصاد اسلامی در خصوص جایگاه پژوهش در اقتصاد اسلامی در کشور و دیدگاه آنان در خصوص ضرورت توسعه کمی و کیفی پژوهش در اقتصاد اسلامی مورد بررسی و تحلیل قرار

۲- مروری بر پیشینه پژوهش در اقتصاد اسلامی

سابقه پژوهش در زمینه اقتصاد اسلامی با مبانی علمی جدید، حداقل به دهه ۱۹۴۰ میلادی (دهه ۱۳۲۰ شمسی) برمی‌گردد.^۱ پس از پژوهش‌های اولیه صورت گرفته در این زمینه و مشخص شدن اهمیت و ضرورت آن بر اندیشمندان، بحث‌هایی برای اجرای برنامه‌های آموزشی در این زمینه صورت گرفت که می‌توان به بحث‌های مدون اواسط دهه ۱۹۷۰ میلادی (دهه ۱۳۵۰ شمسی) در کشورهای عربستان و پاکستان اشاره کرد. در عربستان و پاکستان دوره‌های آموزشی اقتصاد اسلامی تا مقطع دکتری گسترش یافت. در مالزی و پاکستان از سال ۱۹۸۰ دانشگاه بین‌المللی اسلامی تأسیس شد که یکی از گروه‌های علمی فعال آنها، اقتصاد اسلامی است (دادگر، ۱۳۸۱).

پس می‌توان گفت تحقیقات درباره اقتصاد اسلامی، در دنیا کمتر از یک قرن و در ایران کمتر از نیم قرن سابقه دارد. در دنیای اسلام، دانشمندانی همانند شهید صدر، صدیقی، چپرا، کهف، منور اقبال و ... به تحقیق درباره موضوعات گوناگون اقتصاد اسلامی کمر همت بسته‌اند و مجلات تخصصی اقتصاد اسلامی یا موضوعات خاصی از آن، به همت این محققان به زبان عربی و انگلیسی منتشر می‌شود که از آن جمله می‌توان به نشریه المعهد الاسلامی للبحوث و التدريب (بانک توسعه اسلامی)، مجله دانشگاه ملک عبدالعزیز عربستان، مجله بررسی‌های اقتصاد اسلامی در انگلستان، مجله اقتصاد اسلامی در اندونزی و مجله المسلم المعاصر در مصر و ... اشاره کرد (فراهانی‌فرد، ۱۳۸۴).

در ایران و در طول سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی توجه زیادی به پژوهش‌های نظام‌های اجتماعی در اسلام و به خصوص پژوهش در اقتصاد اسلامی معطوف شده است. پس از انقلاب اساتید اقتصاد، توجه زیادی به مقوله پژوهش در اقتصاد اسلامی نشان دادند، به گونه‌ای که در جریان انقلاب فرهنگی نیز برخی از مدرسان رشته اقتصاد اصرار داشتند که به عنوان یک پیش‌نیاز برای پژوهش در اقتصاد اسلامی، یک برنامه آموزشی اقتصاد اسلامی تدوین بنمایند ولو فرآیند آن سال‌های متمادی طول بکشد (صدر، ۱۳۸۱). پس از بازگشایی دانشکده‌های علوم انسانی - اجتماعی و اقتصاد در سال ۱۳۶۲، چند واحد درسی اقتصاد اسلامی به دروس رشته اقتصاد

۱- کتاب «اقتصاد اسلامی» نوشته حفظ‌الرحمان در سال ۱۹۴۲ میلادی در دهلی به چاپ رسیده است.

اسلامی اضافه شد. پس از آن مراکز پژوهشی چندی در این زمینه شکل گرفتند و هم اکنون چند مرکز پژوهشی در قم، تهران و مشهد به کار تحقیق در این زمینه اشتغال داشته و استادان برجسته‌ای نیز این امر مقدس را سرلوحه فعالیت‌های خود قرار داده‌اند.

اما نظام پژوهش در اقتصاد اسلامی با کاستی‌ها، مسائل و تنگناهایی مواجه بوده است. شواهد موجود، بیانگر آن است که ایران به عنوان یکی از کشورهای مهم اسلامی، نتوانسته است سهم قابل توجهی را در تولیدات علمی در حوزه علوم انسانی به خود اختصاص دهد (پاریاد و ملکی، ۱۳۸۵). در همین ارتباط، مطالعه نقش دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و پژوهشی کشور و عدم توجه به علوم انسانی، جایگاه خود را در زندگی فردی و جمعی از دست داده است (سجادیان، ۱۳۸۵). نظام آموزش و پژوهش در اقتصاد و به تبع آن اقتصاد اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نیست و در تولید علم و نظریه‌پردازی با چالش‌هایی مواجه است.

یوسفی معتقد است به رغم اهمیت و جایگاه اهداف، ادبیات سازمان یافته در تحقیقات اقتصاد اسلامی بسیار متفاوت، ناسازگار و فاقد منطقی علمی است (یوسفی، ۱۳۸۵: ۱۰۲). در عین حال نویسندگان این متون زحمت زیادی کشیده و در فضایی که حمایتی از آنها نمی‌شده، وقت خود را صرف نگاشتن این منابع کرده‌اند. رفیعی معتقد است معرفت دینی همانند بسیاری از کالاهای اقتصادی یک کالای مصرفی و سرمایه‌ای است، معرفت دینی همان‌طور که می‌تواند رضامندی و مطلوبیت برخورداران آن را فراهم سازد، می‌تواند توانایی‌های کارکردی و بازده‌های اقتصادی و اجتماعی آنان را افزایش دهد (رفیعی، ۱۳۸۵: ۱۲۷).

۳- چالش‌های پژوهش اقتصاد اسلامی در ایران

در این قسمت برخی مسائل و چالش‌های موجود در نظام پژوهش اقتصاد اسلامی در کشور را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

آموزش محور بودن: آخرین اصلاحات برنامه آموزشی اقتصاد در ایران به ۴۰ سال پیش یعنی سال ۱۳۴۶ مربوط است (شبابی، ۱۳۸۸: ۴).^۱ بنابراین در یک دوره تقریباً ۴۰ ساله، هیچ نوع بازنگری اساسی در نظام آموزشی اقتصاد صورت نگرفته است. این در حالی است که در مدت

۱- البته در سال ۱۳۶۲ اصلاحاتی جزئی برای تطبیق محتوای برخی دروس یا اقتصاد اسلامی به عمل آمد که نتوانست تغییر اساسی ایجاد کند.

مشابه، نظام آموزشی دانشگاهی کشورهای پیشرفته حداقل پنج بار مورد بازنگری قرار گرفته و اصلاحات لازم در آن صورت گرفته است (فالتون^۱، ۲۰۰۲: ۱۸-۱۲). از اهداف این اصلاحات همسوسازی نظام آموزش و پژوهش در اقتصاد کشورهاست.

با نگاهی گذرا به عملکرد و فعالیت‌های اساتید دانشگاه‌ها در حوزه علوم اقتصادی درمی‌یابیم که مراکز آموزش عالی کشور مخصوصاً به شدت آموزش محور هستند. به نحوی که می‌توان گفت یکی از دلایل عدم ارتقای حرفه‌ای اعضای هیأت علمی و در مواردی هم تأخیرهای غیرموجه آنان در گذر به مراتب بالای دانشگاهی، کم‌رنگ بودن بعد پژوهشی در میان دانشگاهیان این حوزه علمی است (عزیزی، ۱۳۸۵: ۲۳).

بها ندادن به تحقیقات کاربردی و بنیادی از دیگر مشکلات این علوم است. با وجود اهمیت و ملموس بودن دانش اقتصاد در سطوح مختلف کار و زندگی افراد، بی‌مایگی و غیرکاربردی بودن پایان‌نامه‌های ارشد و دکتری نشان از وجود تنگناها و بی‌ارزشی تحقیق در این زمینه دارد. شاید «بی‌توجهی به حوزه کاربرد علم و متمرکز شدن بر نظریه‌ها» آن هم در سطوح اولیه اهداف شناختی را بتوان پیش درآمدی بر نارسایی‌های فوق تلقی نمود. از این رو، می‌بینیم که آموزش ناشیانه اندیشه‌ها به راحتی جایگزین اندیشه‌ورزی و آموزش روش‌های اندیشیدن و تفکر است (عزیزی، ۱۳۸۵: ۲۳).

«آنچه ارائه می‌شود و از دانشجو خواسته می‌شود نظریه‌ها و اطلاع از آنهاست نه حتی فهم آنها؛ چه برسد به کاربرد آن که مرحله سوم شناخت است.» (عزیزی، ۱۳۸۵: ۲۳).

نکته بعدی به کاربرد علوم در زندگی روزانه افراد برمی‌گردد. چنانچه، به طور کلی اکثر دروس علوم انسانی، شامل یک سری حفظیات است که زود فراموش می‌شود و این شاخه در حقیقت ماهیت خود به گونه‌ای است که حفظیات اولویت اول را دارد تا یادگیری، با وجودی که هدف اصلی آموزش، یادگیری است (عزیزی، ۱۳۸۵: ۲۴).

امروزه یکی از شاخص‌ترین مقولات مورد بحث در آموزش عالی، موضوع «آموزش مبتنی بر پژوهش» و برداشت‌های مختلف از نحوه اجرای آن است. فائق آمدن بر فاصله موجود میان حوزه‌های آموزش و پژوهش با رخنه کردن در بدنه آموزش عالی و به ویژه درحوزه آموزش

امکان‌پذیر است (انت‌ویسل^۱، ۲۰۰۲)، حال آنکه در حوزه آموزش علم اقتصاد، توجه به اقتصاد اسلامی به شکلی محدود و صرفاً به شکل رفع تکلیف نگاه شده است. چه برسد به این که مبنای آموزشی دانشجویان رشته اقتصاد در جهت آشنایی و پرورش دانشجویان در جهت تحقیق و پژوهش در حوزه اقتصاد اسلامی تدوین شده باشد.

بنابراین فقدان پیوند ساختاری بین نظام آموزشی و پژوهشی از جمله علل عمده عدم کارایی نظام تولید در نظام آموزش رسمی اقتصاد ایران است و بدیهی است بدون داشتن یک پشتوانه بسیار قوی، پویا و هوشیار و تغذیه‌کننده محتوای فقهی به هنگام و همگام با تحولات و پیشرفت‌های اجتماعی و اقتصادی، امکان تدریس مطلوب دروس اقتصاد اسلامی وجود نخواهد داشت.

بی‌ارتباط بودن محتوای دوره‌های تحصیلی و پژوهش‌های مراکز تحقیقاتی با

مقتضیات تصمیمات اجرایی: نبود ارتباط تنگاتنگ و پویا بین مراکز تحقیقاتی علوم انسانی و تصمیم‌گیران اجرایی و پاسخگو کردن تحقیقات و پژوهش‌های علوم انسانی از مسائل مهمی است که باید مورد توجه قرار گیرد (ریاضی، ۱۳۸۵). این مسأله به طور خاص در فضای علم اقتصاد نیز مشاهده می‌شود و دانش اقتصاد کاربرد فراگیری در نظام تصمیم‌گیری و اجرایی کشور ندارد، چه برسد به حوزه اقتصاد اسلامی که با تأخیر بیشتری نسبت به علم اقتصاد متعارف پدید آمده و با وجود اهمیتی که در خصوص توسعه و استفاده بیشتر از اقتصاد اسلامی شده است، اما تا کنون جز در حوزه مطالعات بانکداری، مباحث اقتصاد اسلامی به صورت جدی در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و تصمیمات اجرایی وارد نگردیده است.

بدیهی دانستن نتایج پژوهش‌های علوم انسانی و به طور خاص اقتصاد اسلامی: از

دیگر موانعی که اعتبار و منزلت علوم انسانی به طور عام و علم اقتصاد را به طور خاص را در کشور خدشه‌دار ساخته، این است که اغلب اشخاص نتایج تحقیقات علوم انسانی را بدیهی دانسته و در بسیاری موارد ضرورتی برای پژوهش در آن دیده نمی‌شود (چیت‌ساز و صحراگرد، ۱۳۸۵). با وجودی که ممکن است این دیدگاه مجال یک تفکر غالب را نیافته باشد، نباید از لطامات و پیامدهای آن غافل بود. بنابراین در حوزه تصمیم‌گیری‌های اقتصادی نیز توجه جدی به مقولات

علمی صورت نمی‌گیرد. چه در خصوص اقتصاد اسلامی که می‌توان گفت به صورت مدرن در دهه‌های اخیر مورد کاربرد بشر قرار نگرفته است و از همین رو شاید عدم مشاهده نتایج آن در زندگی تجربی بشر، اهتمام به استفاده از آن را دچار تردید می‌سازد.

فضای محدود هم‌اندیشی: فضای داخلی نظریه‌پردازی در خصوص اقتصاد اسلامی به گونه‌ای است که اندیشمندان و صاحب‌نظران اقتصاد اسلامی در داخل کشور ارتباط کمتری با اندیشمندان و صاحب‌نظران خارج از کشور در این حوزه دارند و فضای علمی در حوزه اقتصاد اسلامی باید به نحوی فراهم گردد که زمینه نظریه‌پردازی در موضوعات گوناگون اقتصاد اسلامی میسر گردد و ارتباط با مجامع علمی بین‌المللی و دانشمندان برجسته دنیای اسلام که در زمینه اقتصاد اسلامی فعالیت دارند، به صورت جدی پیگیری گردد.

کمبود نیروی انسانی و پژوهشگر: یکی از مهم‌ترین چالش‌های موجود در در عرصه پژوهش اقتصاد اسلامی در کشورمان، کمبود بالفعل کسانی است که در موضوعات اقتصاد اسلامی توانایی قلم‌زدن و نظریه‌پردازی داشته باشند؛ زیرا افرادی می‌توانند به تحلیل عمیق موضوعات اقتصاد اسلامی بپردازند که اقتصاد را خوب فهمیده، با مبانی، اصول و ارزش‌های اسلامی نیز آشنا باشند. هرچه قدرت افراد در این دو زمینه بیشتر باشد، توانایی آنان در نظریه‌پردازی در این موضوعات نیز افزون‌تر می‌شود. از طرفی، افراد موجود هم به لحاظ اشتغالات متعددی که در زمینه تدریس و امور مدیریتی و اجرایی دارند، فرصت کمی برای اندیشیدن و نوشتن در این باره می‌یابند. لذا ضروری است نظام آموزشی کشور و نهادهای فعال در زمینه اقتصاد و اقتصاد اسلامی در استفاده علمی بیشتر از صاحب‌نظران در این حوزه و همچنین پرورش افراد دیگر در این خصوص همت گمارند.

کمبود حمایت‌های مالی و نبود برنامه‌ریزی جامع: یکی دیگر از تنگناهایی که نظام پژوهش در اقتصاد اسلامی در کشور ما با آن مواجه است، کمبود حمایت‌های مالی و نبود برنامه‌ریزی جامع در خصوص فعالیت مراکز پژوهشی مربوط به اقتصاد اسلامی می‌باشد. نقش مقررات مالی دست و پاگیر و نظام اداری و بوروکراسی حاکم بر آن نیز بر مشارکت افراد در فعالیت‌های علمی و پژوهشی تأثیرگذار است (پاریاد و همکاران، ۱۳۸۳).

بسیاری از شواهد علمی بیانگر بالا بودن نرخ بازده سرمایه‌گذاری در علوم انسانی است، در حالی که عدم توفیق دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در تدارک منابع مالی و سرمایه کافی در این علوم در مقایسه با دیگر زمینه‌های علمی، امکان بهره‌گیری از حداکثر پتانسیل‌ها را در این حوزه سلب نموده است (آکادمی بریتانیا^۱، ۲۰۰۴). در واقع یکی از موانع عمده بر سر راه کاربرد عملی علوم انسانی، تخصیص منابع مالی اندک برای تحقیق در این علوم از سوی مؤسسات دولتی و غیردولتی است (عزیزی و لنسون^۲، ۲۰۰۶) و شاید به همین علت است که اعتبار این حوزه از علم و معرفت به درستی به افراد و گروه‌های اجتماعی معرفی نشده است.

تجارب حاکی است که مهم‌ترین عامل عدم موفقیت در امر پژوهش، مدیریتی است (شهریاری، ۱۳۸۱). اقتصاد اسلامی نیز به عنوان یکی از حوزه‌های معرفتی علوم انسانی از ضعف در زمینه امکانات و حمایت‌های مالی و برنامه‌ریزی منسجم در خصوص پویایی و استفاده بیشتر از عواید آن برای جامعه رنج می‌برد.

عدم به کارگیری مؤثر پژوهش‌ها: یکی از ضعف‌های اساسی در نظام پژوهشی کشور، عدم به کارگیری مؤثر نتایج پژوهش‌هاست. نبود ساختار توسعه‌یافته در دانشگاه‌ها و سازمان‌های اجرایی برای مدیریت و اداره نتایج پژوهش‌ها و در نتیجه بی‌اعتمادی بسیاری از محققان به مورد استفاده قرار دادن نتایج تحقیقات و پژوهش‌ها از دلایل چنین ضعف‌هایی می‌باشد (فعلی و دیگران، ۱۳۸۵: ۹۶). استمرار چنین رویکردی سبب می‌گردد تا پژوهشگران و بسیاری از فعالان عرصه پژوهش، توجه کمتری به جنبه کاربردی پژوهش‌ها از خود نشان دهند. این دیدگاه به خصوص در حوزه علوم انسانی و به ویژه علم اقتصاد سبب شده است که پژوهشگران در مسیر تولید علم توجه کمتری به شرایط اقتصادی کشور داشته باشند و نتایج تحقیقات آنان، کمتر به طور مستقیم نتیجه کاربردی پیدا کنند.

۴- روش تحقیق

روش تحقیق مورد استفاده در این مطالعه، روش توصیفی و کاربردی است و از منظر گردآوری

۱ - The British Academy

۲ - Azizi, N. and Lasonen, J.

داده، روشی توصیفی از نوع اکتشافی محسوب می‌شود. در این تحقیق با هدف بررسی و تحلیل نظرات پژوهشگران و صاحب‌نظران در حوزه اقتصاد اسلامی در خصوص کمیت و کیفیت مراکز و فعالیت‌های پژوهشی در حوزه اقتصاد اسلامی، میزان حمایت‌های مادی و معنوی از مراکز پژوهشی مربوط به اقتصاد اسلامی و اثربخشی این مراکز و پژوهش‌های صورت گرفته توسط آنها در راستای رفع مسائل اقتصادی جامعه و همچنین ضرورت ایجاد و توسعه آنها، پرسش‌هایی مطرح شده است.

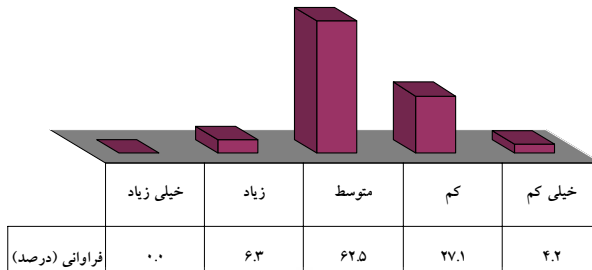
به منظور پاسخ‌گویی به سؤالات فوق‌الذکر و استخراج و تحلیل داده‌های حاصل از جامعه آماری مورد نظر؛ یعنی، مدرسان، پژوهشگران و صاحب‌نظران در خصوص اقتصاد اسلامی در کشور، تعداد ۴۸ نفر از این افراد به شیوه نمونه‌های در دسترس، انتخاب و دیدگاه‌ها و نظرات آنان با استفاده از پرسش‌نامه طراحی شده بدین منظور، جمع‌آوری و مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت.

۵- یافته‌ها

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دو نفر از پاسخ‌گویان زن و ۴۶ نفر مرد هستند. تعداد ۲ نفر از پاسخ‌گویان به پرسش‌نامه‌های تحقیق، دارای سطح تحصیلات کارشناسی، ۸ نفر دارای تحصیلات فوق لیسانس، ۳۱ نفر دارای تحصیلات دکتری و ۵ نفر دارای تحصیلات دکتری به همراه سطح تحصیلات حوزوی خارج فقه، یک نفر دارای کارشناسی ارشد اقتصاد به همراه سطح دروس خارج فقه حوزه علمیه و یک نفر نیز دارای تحصیلات حوزوی در سطح دروس خارج فقه می‌باشد. اطلاعات گردآوری شده با استفاده از روش‌های آمار توصیفی و نرم‌افزار SPSS مورد تحلیل قرار می‌گیرد. برای تعیین اعتبار ابزار تحقیق پرسشنامه، در میان ۲۰ نفر از پژوهشگران اقتصاد اسلامی، ضریب آلفای کرونباخ^۱ برای تمام متغیرها برابر ۶۷ درصد محاسبه شده است.

در پاسخ به سؤالاتی که در خصوص کمیت تعداد طرح‌های پژوهشی، مقالات، پایان‌نامه‌ها، کتب تألیفی و کتب ترجمه شده در زمینه اقتصاد اسلامی در ایران، داده شده است با توجه به طیف لیکرت، پنج سطح در نظر گرفته شده است. به طور کلی نتایج در مورد کمیت پژوهش در حوزه اقتصاد اسلامی در نمودار شماره (۱) نمایش داده شده است. بر این اساس، ۶۲/۵ درصد از

پاسخ‌گویان، کمیت پژوهش در حوزه اقتصاد اسلامی در ایران را به طور متوسط ارزیابی کرده‌اند. تعداد ۲۷/۱ درصد از این افراد کمیت پژوهش در حوزه اقتصاد اسلامی در ایران را کم ارزیابی کرده‌اند. مد توزیع و میانه توزیع در طبقه سوم و پاسخ متوسط تعلق دارد. بنابراین می‌توان گفت که بیشتر پاسخ‌گویان کمیت پژوهش در اقتصاد ایران را کم و متوسط ارزیابی کرده‌اند.



نمودار (۱) - توزیع فراوانی پاسخ به سؤالات در خصوص تعداد پژوهش‌های انجام شده در زمینه اقتصاد اسلامی

جدول (۱) شاخص‌های توزیع آماری در زمینه سؤالات مربوط به کمیت پژوهش در اقتصاد اسلامی را در طیف پنج طبقه لیکرت نشان می‌دهد. نتایج نشان می‌دهند که پاسخ‌گویان بیشترین کمیت را مربوط به کتب ترجمه شده و پس از آن مربوط به مقالات دانسته‌اند. مد توزیع در مورد مقالات، پایان‌نامه‌ها و کتب ترجمه شده به طبقه متوسط و در خصوص طرح‌ها و کتب تألیفی به طبقه کم تعلق دارد. بیشترین انحراف معیار در پاسخ به سؤالات نیز به کتب تألیفی و کمترین آن به طرح‌های پژوهشی در حوزه اقتصاد اسلامی تعلق دارد.

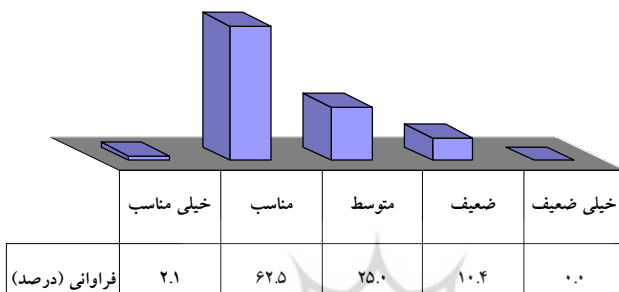
جدول (۱) - شاخص‌های توزیع آماری پاسخ به سؤالات مربوط به کمیت پژوهش در اقتصاد اسلامی

شرح	مقالات	طرح‌ها	پایان‌نامه‌ها	کتب تألیفی	کتب ترجمه شده
میانگین	۲,۴	۲,۲	۲,۲	۲,۳	۲,۷
میانه	۳	۲	۲	۲	۳
مد	۳	۲	۳	۲	۳
انحراف معیار	۰,۷۴	۰,۷۲	۰,۸	۰,۸۶	۰,۸

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نمودار شماره (۲) توزیع فراوانی نسبی پاسخ به سؤالاتی که در خصوص کیفیت تعداد طرح‌های پژوهشی، مقالات، پایان‌نامه‌ها، کتب تألیفی و کتب ترجمه شده در زمینه اقتصاد اسلامی در

ایران، داده شده است را با توجه به طیف لیکرت در پنج سطح در برمی‌گیرد. ۶۲/۵ درصد از پاسخ‌گویان، کیفیت پژوهش‌های انجام شده در زمینه اقتصاد اسلامی را مناسب ارزیابی کرده‌اند. ۲۵ درصد از پاسخ‌گویان نیز آن را در حد متوسط دانسته‌اند. ۱۰/۴ کیفیت ضعیف و ۲/۱ درصد نیز کیفیت بسیار مناسبی را برای تحقیقات صورت گرفته در زمینه اقتصاد اسلامی قائل شده‌اند. مُد و میانه توزیع به طبقه چهارم و کیفیت مناسب تعلق دارد.



نمودار (۲) - توزیع فراوانی پاسخ به سؤالات در خصوص کیفیت پژوهش‌های انجام شده در زمینه اقتصاد اسلامی

جدول (۲) شاخص‌های توزیع آماری در زمینه سؤالات مربوط به کیفیت پژوهش در اقتصاد اسلامی را در طیف پنج طبقه لیکرت نشان می‌دهد. میانگین به دست آمده از سؤالات مختلف نشان می‌دهد که پاسخ‌گویان به سؤالات این پژوهش، بیشترین میزان کیفیت را به پایان‌نامه‌های تألیفی در این خصوص و پس از آن به مقالات و طرح‌های پژوهشی تخصیص داده‌اند. کمترین میزان کیفیت نیز به کتب تألیفی در زمینه اقتصاد اسلامی اختصاص پیدا کرده است. مُد توزیع در مقالات تألیفی و پایان‌نامه‌ها به طبقه چهارم و در سایر موارد به طبقه سوم اختصاص دارد. توزیع پاسخ‌ها در خصوص کیفیت مقالات و پایان‌نامه‌های تألیفی در زمینه اقتصاد اسلامی بیشترین و پاسخ به سؤال در خصوص طرح‌های انجام شده در خصوص اقتصاد اسلامی، کمترین انحراف معیار را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول (۲) - شاخص‌های توزیع آماری پاسخ به سؤالات مربوط به کیفیت پژوهش در اقتصاد اسلامی

شرح	مقالات	طرح‌ها	پایان‌نامه‌ها	کتاب تألیفی	کتاب ترجمه شده
میانگین	۳,۱	۳,۱	۳,۲	۲,۹	۳,۰
میانه	۳	۳	۳	۳	۳
مُد	۴	۳	۴	۳	۳
انحراف معیار	۰,۹۰	۰,۶۸	۰,۸۹	۰,۸۱	۰,۷۶

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول (۳) فراوانی نسبی ویژگی‌های مراکز پژوهشی فعال در زمینه اقتصاد اسلامی از نظر شرکت‌کنندگان در مطالعه را منعکس کرده است. بر اساس اطلاعات این جدول، ۶۲/۵ درصد از افراد شرکت‌کننده در این مطالعه، تعداد مراکز پژوهشی فعال در زمینه اقتصاد اسلامی را خیلی کم دانسته‌اند. ۶۰/۴ درصد از پاسخ‌گویان، این مراکز را از لحاظ کیفیت علمی در سطحی متوسط ارزیابی کرده و ۵۵/۳ درصد از آنان، کیفیت این مراکز مزبور را از لحاظ خدمات رسانی در سطح ضعیفی ارزیابی کرده‌اند.

جدول (۳) - فراوانی نسبی ویژگی‌های مراکز پژوهشی فعال در زمینه اقتصاد اسلامی از نظر پاسخ‌گویان (درصد)

شرح	از لحاظ تعداد	شرح	از لحاظ کیفیت علمی	از لحاظ کیفیت خدمات رسانی
خیلی کم	۲,۱	خیلی ضعیف	۴,۲	۶,۴
کم	۶۲,۵	ضعیف	۱۸,۸	۵۵,۳
متوسط	۱۸,۸	متوسط	۶۰,۴	۳۴,۰
زیاد	۱۲,۵	مناسب	۱۶,۷	۴,۳
خیلی زیاد	۴,۲	خیلی مناسب	۰,۰	۰,۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

در جدول شماره (۴) نظرات پاسخ‌گویان در خصوص میزان حمایت‌ها از مراکز پژوهشی در زمینه اقتصاد اسلامی و همچنین استنباط آنان از علاقه پژوهشگران و دانشجویان به فعالیت در مراکز پژوهشی در زمینه اقتصاد اسلامی نشان داده شده است. بر این اساس تعداد ۳۵/۴ درصد از

پاسخ‌گویان میزان حمایت‌های مالی از مراکز پژوهش در اقتصاد اسلامی را کم و ۳۱/۳ درصد از آنان، این حمایت‌ها را خیلی کم دانسته‌اند. مُد و میانه توزیع هر دو به طبقه دوم یا گروه حمایت‌های مالی کم تعلق دارد. در خصوص حمایت‌های معنوی از مراکز پژوهش در زمینه اقتصاد اسلامی نیز ۴۱/۷ درصد از پاسخ‌گویان آن را کم و ۴۱/۷ درصد دیگر نیز آن را متوسط ارزیابی کرده‌اند. مُد و میانه توزیع در طبقه سوم قرار گرفته‌اند.

تعداد ۵۲/۱ درصد از پاسخ‌گویان میزان علاقه‌مندی پژوهشگران و دانشجویان به فعالیت در مرکز پژوهشی اقتصاد اسلامی را کم و ۳۳/۳ درصد از آنان، میزان علاقه‌مندی را متوسط ارزیابی کرده‌اند. مُد توزیع در طبقه دوم و میانه نیز به طبقه دوم اختصاص دارد. بنابراین می‌توان گفت که بیش از نیمی از پاسخ‌گویان میزان علاقه‌مندی پژوهشگران و دانشجویان به فعالیت در مراکز پژوهش در اقتصاد اسلامی را کم و کم‌تر از آن دانسته‌اند.

جدول (۴) - فراوانی نسبی پاسخ‌ها در خصوص میزان حمایت‌ها و همچنین علاقه به فعالیت در مراکز پژوهشی اقتصاد اسلامی (درصد)

شرح	میزان حمایت مالی از مراکز پژوهش در اقتصاد اسلامی	میزان حمایت معنوی از مراکز پژوهش در اقتصاد اسلامی	میزان علاقه پژوهشگران و دانشجویان به پژوهش در اقتصاد اسلامی
خیلی کم	۳۱,۳	۶,۳	۱۰,۴
کم	۳۵,۴	۴۱,۷	۵۲,۱
متوسط	۲۲,۹	۴۱,۷	۳۳,۳
زیاد	۴,۲	۶,۳	۲,۱
خیلی زیاد	۴,۲	۲,۱	۲,۱

مأخذ: یافته‌های تحقیق

اطلاعات جدول (۵) نشان می‌دهد که طبق نظر پاسخ‌گویان میزان اثربخشی مطالعات اقتصاد اسلامی در حل مسائل اقتصادی جامعه، در ۵۴/۲ موارد پاسخ‌ها، در حد کمی ارزیابی شده است و ۲۵ درصد افراد پاسخ‌گو آن را متوسط ارزیابی کرده‌اند. این در حالی است که ۳۷/۵ درصد و ۳۳/۳ درصد از همین پاسخ‌گویان به ترتیب ضرورت توسعه مراکز پژوهش اقتصاد اسلامی در راستای رفع مسائل اقتصادی جامعه را زیاد و خیلی زیاد دانسته‌اند. شاید بتوان علت این پاسخ‌گویی را در اعتقاد پاسخ‌گویان به راه‌گشایی مسائل اقتصاد اسلامی در جامعه و در عین حال ضعف عملکرد و سازوکار مراکز پژوهشی موجود در عرصه اقتصاد اسلامی دانست.

در خصوص سؤال در مورد توسعه کمی مراکز پژوهش در اقتصاد اسلامی، ۴۱/۷ درصد از پاسخ‌گویان ضرورت توسعه این مراکز را زیاد و ۲۵ درصد از آنان، ضرورت توسعه این مرکز را خیلی زیاد ارزیابی کرده‌اند. مُد و میانه این توزیع هر دو در طبقه چهارم قرار گرفته‌اند. همچنین ۱/۵۲ درصد و ۳۷/۵ درصد از پاسخ‌گویان به ترتیب ضرورت توسعه کیفی مراکز پژوهشی در زمینه اقتصاد اسلامی را خیلی زیاد و زیاد دانسته‌اند. نحوه پاسخ‌گویی به این دو سؤال مشخص می‌کند که پاسخ‌گویان توجه و اهمیت بیشتری را به مقوله کیفیت در پژوهش اقتصاد اسلامی مبذول داشته‌اند.

جدول (۵) - فراوانی نسبی پاسخ شرکت‌کنندگان در مطالعه در خصوص ضرورت توسعه مراکز اقتصاد اسلامی (درصد)

میزان اثر بخشی مطالعات	ضرورت توسعه مراکز پژوهش	ضرورت توسعه کمی مراکز	ضرورت توسعه کیفی مراکز	شرح
مساائل اقتصادی جامعه	در اقتصاد اسلامی در رفع مسائل اقتصادی جامعه	پژوهش در اقتصاد اسلامی	پژوهش در اقتصاد اسلامی	
۱۸۸	۰۰	۲۰۱	۰۰	خیلی کم
۵۴۰۲	۱۰۰۴	۱۲۰۵	۲۰۱	کم
۲۵۰۰	۱۸۸	۱۸۸	۸۰۳	متوسط
۲۰۱	۳۷۰۵	۴۱۰۷	۳۷۰۵	زیاد
۱۰۱	۳۳۰۳	۲۵۰۰	۵۲۰۱	خیلی زیاد

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۶- جمع‌بندی و ارائه پیشنهادات

بررسی‌های صورت گرفته در حوزه پژوهش در اقتصاد اسلامی نشان می‌دهد که به‌رغم کامیابی‌هایی که به دست آمده، نظام پژوهش در اقتصاد اسلامی با تنگناها و چالش‌های زیادی مواجه است. چالش‌هایی از قبیل آموزش‌محور بودن نظام آموزش عالی کشور از جمله در حوزه اقتصاد، بی‌ارتباط بودن محتوای دوره‌های تحصیلی و پژوهش‌های مراکز تحقیقاتی با مقتضیات تصمیمات اجرایی، بدیهی دانستن نتایج پژوهش‌های علوم انسانی و به‌طور خاص اقتصاد اسلامی، فضای محدود هم‌اندیشی، کمبود نیروی انسانی و پژوهشگر و کمبود حمایت‌های مالی و نبود برنامه‌ریزی جامع در فضای اقتصاد اسلامی کشورمان اشاره کرد.

بررسی نظرات صاحب‌نظران و پژوهشگران در عرصه اقتصاد اسلامی که در این تحقیق صورت گرفته نیز نشان می‌دهد که با وجود اشتراک نظری که در خصوص توسعه کمی و کیفی پژوهش

در حوزه اقتصاد اسلامی و استفاده از نتایج آن در فضای اقتصادی و اجتماعی کشور وجود دارد، اما برآیند همین نظرات نشان می‌دهد که با وجود تلاش‌های صورت گرفته، تا کنون اهتمام جدی به گسترش و استفاده از دانش اقتصاد اسلامی در ابعاد مختلف اقتصاد ایران صورت نگرفته است و این عرصه با کمبودها و چالش‌هایی مواجه است. در ادامه با توجه به مباحث مطرح شده در این مقاله، پیشنهادهایی در خصوص بهبود فضای پژوهش در عرصه اقتصاد اسلامی ارائه می‌گردد.

- تدوین برنامه جامع در خصوص آموزش و پژوهش در زمینه اقتصاد اسلامی و ارائه امکانات و حمایت‌های مالی به مؤسسات و افراد فعال در این حوزه؛
- تلاش در جهت ایجاد پیوند ساختاری بین نظام آموزشی و پژوهشی اقتصاد و به طور خاص اقتصاد اسلامی در جهت بهبود عدم کارایی نظام تولید در نظام آموزش رسمی اقتصاد ایران؛
- برای ایجاد استمرار تحقیقاتی در زمینه اقتصاد اسلامی و به روز کردن آن نیاز به مؤسسات تحقیقاتی اقتصاد اسلامی با پشتوانه قوی است که به طور مداوم با تهیه محتوا و مطالب جدید، اساتید و دانشجویان را تغذیه کند؛
- نظریه‌پردازی در زمینه موضوعات گوناگون اقتصاد اسلامی به گونه‌ای که در مجامع علمی داخلی و خارجی قابل طرح باشد؛
- تشویق فاضلان حوزه علمیه، استادان دانشگاه و دانشجویان به پرداختن موضوعات اقتصاد اسلامی و نگارش مقاله در این باره؛
- با توجه به جدید بودن بسیاری از مباحث در حوزه اقتصاد اسلامی یکی از مشکلات نظام فعلی پژوهش در اقتصاد اسلامی در ایران نبود ساختاری جامع با هدف جمع‌آوری و دسته‌بندی تحقیقات است (شعبانی، ۱۳۸۸: ۱۳)، بنابراین با توجه به اهمیت پژوهش در حوزه‌های مفهومی و کاربردی اقتصاد اسلامی، به نظر می‌رسد لازم باشد نظام رتبه‌بندی مناسبی در کیفیت پژوهش‌های صورت گرفته و تأمین مالی آنها صورت گیرد؛
- توجه به موضوعات اقتصاد ایران با نگرش اسلامی، می‌تواند به صورت نقد سیاست‌ها، راهبردها و قوانین اقتصادی اقتصاد ایران از دیدگاه اسلام، ارائه مدل‌های عملی جهت سیاست‌گذاری و تصویب قوانین و طرح در مجامع علمی و کلاس‌های درس اقتصاد ایران در دانشگاه‌ها باشد؛

- ارتباط مؤثر و بیشتر با مجامع علمی بین‌المللی؛
- ایجاد ساختار توسعه‌یافته در دانشگاه‌ها و سازمان‌های اجرایی کشور برای مدیریت، اداره نتایج و کاربردی کردن پژوهش‌های حوزه اقتصاد اسلامی؛
- فراهم آوردن زمینه برای نشر مجلات در سطوح متفاوت برای موضوعات اقتصاد اسلامی.

منابع

- احمدی، علی محمد (۱۳۸۲)، ارزیابی وضعیت دروس اقتصاد اسلامی با تکیه بر دیدگاه مدرسین، **مجموعه مقالات اولین نشست تخصصی مدرسان دروس اقتصاد اسلامی**، تهران: پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس.
- احمدی، علی محمد (۱۳۸۴)، چالش‌های موجود نظام آموزش اقتصاد اسلامی، **فصلنامه اقتصاد اسلامی**، سال پنجم، شماره هجدهم.
- پاریاد، رحمان، الف. نصر اصفهانی، م. لیاقدار (۱۳۸۳)، بررسی موانع ساختار پژوهش در بین اعضای هیئت علمی گروه‌های آموزشی علوم انسانی دانشگاه‌های اصفهان و منطقه غرب کشور، **مجموعه مقالات آموزش عالی و توسعه پایدار**، جلد دوم، تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی.
- پاریاد، رحمان و ملکی، بهزاد (۱۳۸۵)، جایگاه کشورهای جهان سوم در انتشار تولیدات علمی جهان (مطالعه موردی: کشور جمهوری اسلامی ایران)، **کنگره ملی علوم انسانی: وضعیت امروز، چشم‌انداز فردا**، تهران: ۲۲-۲۴ اسفندماه.
- چیت‌ساز، سیده و صحراگرد، رحمان (۱۳۸۵)، پژوهش در علوم انسانی، **کنگره ملی علوم انسانی: وضعیت امروز، چشم‌انداز فردا**، تهران: ۲۲-۲۴ اسفندماه.
- دادگر، یدالله (۱۳۷۸)، **نگرشی بر اقتصاد اسلامی: معرفت‌ها، ارزش‌ها و روش‌ها**، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، پژوهشکده اقتصاد.
- دادگر، یدالله (۱۳۸۱)، تدریس اقتصاد اسلامی، **مجموعه مقالات نشست تخصصی مدرسان اقتصاد اسلامی**، پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس.
- درخشان، مسعود (۱۳۸۱)، بررسی تطبیقی نظام علم اقتصاد در ایران و سایر کشورها، **مجموعه مقالات اولین همایش دستاوردهای آموزشی و پژوهشی علم اقتصاد در ایران**، مرکز تحقیقات اقتصاد ایران.
- دلاور، علی (۱۳۷۵)، **روش تحقیق در علوم تربیتی**، تهران: مؤسسه نشر و ویرایش.
- رفیعی آتانی، عطاء‌اله (۱۳۸۵)، درآمدی بر نظریه تقاضای دانش دینی، **فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی**، شماره ۲۳، ۱۵۵-۱۲۷.
- ریاضی، عبدالمهدی (۱۳۸۵)، ضرب تأثیر پژوهش‌های علوم انسانی را بیشتر کنیم؛ پیشنهاد مدل تأثیر، **کنگره ملی علوم انسانی: وضعیت امروز، چشم‌انداز فردا**، تهران: ۲۲-۲۴ اسفند.
- سجادیان، سیدمحمد (۱۳۸۵)، نقش دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی در ارتقای علوم انسانی، **کنگره ملی علوم انسانی: وضعیت امروز، چشم‌انداز فردا**، تهران: ۲۲-۲۴ اسفندماه.
- سرمد، زهره (۱۳۷۷)، **روش تحقیق در علوم رفتاری**، تهران: انتشارات آگاه.

- شعبانی، احمد و حسین میسمی (۱۳۸۸)، بررسی موانع تدوین پایان‌نامه در حوزه اقتصاد اسلامی، *مجموعه مقالات هشتمین نشست تخصصی محققان اقتصاد اسلامی*، تبریز: دانشگاه تبریز.
 - شهریار، محسن (۱۳۸۱)، گزارشی از وضعیت بودجه تحقیقاتی کشور، *مجله فرهنگ و پژوهش*، شماره ۹۱.
 - صدر، سید کاظم (۱۳۸۱)، عملکرد اقتصاد اسلامی در رشته اقتصاد در دانشگاه‌ها، *مجموعه مقالات تدریس اقتصاد اسلامی*، پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس.
 - فراهانی‌فرد، سعید (۱۳۸۴)، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی: توفیق‌ها، بایسته‌ها و محدودیت‌ها، *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، شماره ۱۷، ص ۱۰-۵.
 - فعلی، سعید، غ. پزشکی راد و م. چیلدزی (۱۳۸۳)، بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های پژوهشی و تولید علم، *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، شماره ۴۲، ص ۱۰۷-۹۲.
 - کرمی، محمدمهدی و پورمند، محمد (۱۳۸۰)، *مبانی فقهی اقتصاد اسلامی*، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، انتشارات سمت.
 - گیلک حکیم‌آبادی، محمدتقی (۱۳۸۱)، اقتصاد دینی و اقتصاد دین، *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، شماره ۸.
 - متین، نعمت‌اله (۱۳۸۵)، بررسی میزان استفاده از یافته‌های پژوهشی در آموزش و پرورش، *فصلنامه تعلیم و تربیت*، شماره ۸۸، ص ۱۴۹-۱۸۰.
 - مشرف جوادی، محمدحسن (۱۳۸۲)، بررسی راه‌های ارتقای کیفیت آموزش اقتصاد اسلامی در دانشگاه‌های کشور، *مجموعه مقالات اولین نشست تخصصی مدرسان دروس اقتصاد اسلامی*، تهران: پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس.
 - میرزایی، علی (۱۳۸۰)، *برنامه‌ریزی درسی و طرح درس در آموزش رسمی و تربیت نیروی انسانی*، تهران: یسطرون.
 - یوسفی (۱۳۸۵)، ابهام در اهداف نظام اقتصادی اسلام و سامان‌دهی آن، *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، شماره ۲۳، صص ۱۰۱-۱۲۶.
-
- Azizi, N. and Lasonen, J. (2006), *Education, Training and the Economy: Preparing Young People for a Changing Labor Market*, Institute for Educational Research: Jyvaskyla University Press.
 - Entwistle, N. (2002), Research-based University Teaching, *Psychology of Education Review*, Vol. 26, No. 2.
 - Fulton, O., and Enders, J., (2002), *Higher Education in Globalized World*, NY Springer.
 - The British Academy (2004), *Response to the Government's Consultation, Paper on Science and Innovation: Working a Ten Year Investment Framework?*, 30 April.